

برتر»، تولید اطلاعات، ارزش‌های اجتماعی، «سهم تحقیق و توسعه از اعتبارات، نخبه‌پذیری یا گریزدهی نخبگان» و «جاسوسی و ضدجاسوسی علم».

او می‌گوید: در دنیا تلاش‌هایی برای رسیدن به شاخصی غیر از تعداد مقالات علمی برای سنجش وضعیت علمی کشورها شده است. مثلاً سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) از سال ۲۰۰۲ راهنمای روشی در ارزیابی علم و فن‌آوری و نوآوری ارائه داده است یا از شاخص‌های اتحادیه اروپایی‌ها و ریسیت (RICYT) که برای کشورهای اسپانیولی و پرتغالی زبان طراحی شده و بر اساس مقایسه ورودی‌های علم و فن‌آوری (منابع انسانی و مالی) و خروجی‌های علم و فن‌آوری (ثابت اختراع و مقالات علمی) عمل می‌کند.

در ادامه از مسائل مختلفی در رابطه با موضوع اصلی کتاب سخن به میان می‌آید: اینکه هر کسی که چند واحد در یک دانشگاه درس می‌دهد، خود را «استاد دانشگاه» معرفی می‌کند. شهوت پیشوند و پسوند در کشور ما، عقب‌ماندن کشور از روندهای پژوهشی روز دنیا، تولید مقالات با مضامین تکراری که فقط آمار تولید مقالات را بالا می‌برند، ولی اندوخته‌ای به علم ما اضافه نمی‌کنند، نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها، سند چشم‌انداز و نقشه علمی کشور، مفهوم سواد و سواد علمی و... البته در همه این مباحث لحن یک استاد منتقد را که در کلاس مشغول تدریس است و به پدیده‌های مختلف اطرافش غر می‌زند را می‌توان مشاهده کرد. خودش هم در مقدمه می‌گوید: «قبول دارم که در پاره‌ای موارد با نثری عصبی مواجهیم. علم البته بی‌نیاز از پرخاش است، به‌ویژه آن که «درباره علم» بخوایم سخن بگوییم و علم را روایت کنیم. شاید راه صحیح‌تر آن بود که در بازخوانی نهایی، نثر و ادبیات را تعدیل کنیم. در مواردی البته کردم؛ اما هدف و دغدغه تلنگر زدن، گرامی‌تر از آن بود که به اصل آرامش پایبند بمانم».

انتظامی در خصوص رویکرد انتقادی‌اش در کتاب می‌گوید: «حقیقت آن است که مسئولان کشور در سال‌های اخیر مرتب، دم از پیشرفت خیره‌کننده علمی می‌زنند و اگر این ادعا با نگاه انتقادی، بازخوانی نشود و نخبگان نیز یکسره به آن دم بدهند، ممکن است کار، دست کشور بدهد.» و در ادامه اشاره می‌کند که «نگارنده ترجیح می‌دهد نقش کودکان آن داستان مشهور را بازی کند که برخلاف آدم بزرگ‌های عاقل و دوراندیش، عربان بودن پادشاه را فریاد برآورده‌اند».

هرچند نویسنده منظورش از «مسئولان کشور» را دقیقاً مشخص نمی‌کند؛ اما از اشاره او به «بازی با آمار» توسط آقای احمدی‌نژاد در اعلام روند کاهش تلفات تصادفات جاده‌ای در ایران در صفحه ۳۹ کتاب می‌توان فهمید چه کسانی مورد انتقاد او هستند.

نویسنده خود نیز به شتاب‌زدگی‌بودن نوشته و رویکرد ژورنالیستی آن در طرح مباحث اذعان دارد. در پشت جلد کتاب، این جملات در این خصوص جلب توجه می‌کند: «رساله حاضر، یک ارزیابی شتاب‌زده از وضعیت تولید علم در کشورمان است و از آنجا که با نثر روزنامه‌نگارانه نگارش یافته، ویژگی‌های مثبت و منفی این گونه ادبی را دارد. ضرباهنگ تند، قضاوت‌های صریح و به قول منتقدان، آسمان و ریسمان را به هم بافتن از آن جمله‌اند.»



است. او که در سال‌های اخیر پایگاه خبری تحلیلی «خبر آنلاین» را اداره می‌کرد، در کارنامه خود سوابقی همچون نماینده مدیران مسئول در هیئت نظارت بر مطبوعات، مدیرعامل همشهری، مدیرمسئول جام جم، سخنگوی شورای عالی امنیت ملی، عضو هیئت منصفه مطبوعات، عضو هیئت مدیره انتشارات سروش، بنیاد اندیشه اسلامی، خانه روزنامه‌نگاران جوان را دارد. ضمن اینکه در شهریورماه ۱۳۹۲ با حکم علی جنتی، به عنوان معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منصوب شد. انتصابی که با استقبال تشکله‌ها و چهره‌های حرفه‌ای حوزه مطبوعات مواجه شد، به گونه‌ای که صادق زیباکلام در مصاحبه‌ای اعلام کرد: «برای معاون مطبوعاتی شدن آقای دکتر انتظامی نذر کرده بودم!»

از این حواشی که بگذریم، حسین انتظامی درباره آخرین اثر منتشره‌اش این‌طور توضیح می‌دهد که کتاب محصول شتاب‌زده تدریس او برای دانشجویان دوره دکتری رشته کتابداری، در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۲-۹۱ در درسی دو واحدی با عنوان «ژئوپلیتیک علم و اطلاعات» است. محصولی که به گفته نویسنده می‌توانسته کاملتر و بعد منتشر شود؛ اما چون بحث پیشرفت علمی ایران در رسانه‌ها داغ است و نیز احتمالاً به دلیل مشغولیت‌های جدید مؤلف در کسوت معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد، ترجیح داده با همین وضعیت آن را منتشر کند. خودش در توضیح چرایی انتشار این کتاب با وجود شتاب‌زدگی به «سرعت در انتشار به امید برانگیختن سیاست‌گذاران و نخبگان» اشاره کرده و آورده است: «اگر این چراغ روشن شود و موجی خلاف آمد، عادت به راه بیفتد، توسعه علمی کشور به نقاط درخشان‌تر و البته پایدارتری می‌رسد.»

البته شتاب‌زدگی در انتشار باعث نشده که کتاب‌سازی اثر و صفحه‌بندی و طراحی جلد آن تحت‌الشعاع واقع شود و در این گونه جزئیات ارائه کتاب خلالت و رویکرد حرفه‌ای تیم همراه انتظامی در «گروه رسانه‌ای خبر» که در مشخصات کتاب نام آن به عنوان متولی امور فنی چاپ این اثر آمده، مشهود است.

کتاب در پنج بخش «ژئوپلیتیک علم و اطلاعات»، «ارزیابی علم، فناوری و نوآوری»، «نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها»، «نقشه علمی» و «سواد علمی» به همراه ضامنه تدوین شده است و نویسنده سعی کرده با زبانی صریح و با نثری که به قول خودش «روزنامه‌نگارانه» است و نه علمی - پژوهشی، برخی مشهورات و ادعاهای رسانه‌ای در خصوص موضوعات مرتبط با وضعیت علمی کشورمان را نقد کند.

از دیدگاه نویسنده ژئوپلیتیک، دانش کسب قدرت و دانش شناخت و کنترل مکان‌ها و مناطق استراتژیک است و ژئوپلیتیک علم به معنای تأثیر شاخص‌های علمی بر رتبه ژئوپلیتیکی یک کشور، عبارت معناداری است.

انتظامی می‌گوید: رتبه ژئوپلیتیک علمی را باید بر اساس برآیند شاخص‌هایی همچون شاخص‌های زیر سنجید، نه اینکه فقط به تعداد مقالات علمی‌مان افتخار کنیم. ممکن است دانش آموزی یک نمره ۱۸ و چند نمره زیر ۱۰ در کارنامه خود داشته باشد و نهایتاً نتواند معدل قبولی بگیرد. «نظام آموزش عالی»، «نظام آموزشی دبیرستان و متوسطه»، «سواد علمی، اختراعات و اکتشافات، تولیدات آزمایشگاهی، پارک‌های فناوری»، توان «تبدیل فکر به ثروت»، «فناوری‌های